

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی لندری

متاع عشق

در همه دار وجود آن جان جانانه بود
یاد آن شیرین ادا آذین کاشانه بود
ساغر و پیمانه ده ای ساقی زیبا مرا
چون مراد دل مرا آن چشم فتانه بود
سنگ بیباکی چو طفلان می زند در کوچه ها
هر کجا سنگی زند بر فرق دیوانه بود
بر در میخانه و کنج خراباتیم ما
رونق میخانه ام رندان مستانه بود
در خرابات مغان آب بقا آید به کار
آب حیوان چون در آنجا خم و پیمانه بود
حرف من بشنوز جان و دل که من مست توام
عشق مستان در سر عشاق مستانه بود
این لطیف از سیر هستی صرف دارد عشق را
او به عشقش بنده و در عشق دیوانه بود